

ارزیابی مراکز شهری مبتنی بر رویکرد پاسخ‌دهی محیطی

مطالعه موردی: منطقه مرکزی شهر گنبدکاووس^۱

مینو قره‌بگلو^۲ - دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، ایران.
احد نژاد ابراهیمی - دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، ایران.
ملیحه جاویدمهر - دانشجوی دکتری مهندسی معماری، دانشگاه بین‌الملل امام خمینی، قزوین، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۲/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۲۸

چکیده:

بخش مرکزی شهر به عنوان یکی از اجزای اصلی شهر، همواره در طول تاریخ حائز اهمیت بوده است. اقشار مختلف مردم با اهداف مختلف، نیاز به حضور و تردد در مراکز شهرها را دارند. این درحالی است که فضاهای شهری برای شکل‌گیری بسیاری از خاطرات اجتماعی و برقراری تعاملات نیز می‌توانند کمک‌کننده باشند. طراحی محیط شهری به‌عنوان بستر مناسب برای حضور گسترده شهروندان، می‌تواند بسیاری از نیازهای آنها را به نحو مطلوبی پاسخ دهد. هدف از تحقیق حاضر، بررسی معیارهای تأثیرگذار بر ارتقای مفهوم پاسخ‌دهی به کاربران و ایجاد رضایت در آنهاست. در این پژوهش بافت تاریخی بخش مرکزی شهر گنبدکاووس به‌عنوان یکی از فضاهای عمومی مهم انتخاب شده و به دنبال پاسخ بدین سؤال است که مؤلفه‌های پاسخ‌ده در بخش مرکزی شهر گنبدکاووس برای ارزیابی و راهکارهای بهبود آن کدام‌ها هستند. پژوهش حاضر از نوع کاربردی بوده و با استفاده از روش تحقیق کیفی و راهبرد پیمایشی غیرمستقیم مبتنی بر نظر خبرگان برای تدوین مؤلفه‌ها استفاده شده است. خبرگان از میان اساتید دانشگاه در رشته معماری و مدیران شهری و دانشجویان رشته معماری، پیرامون موضوع تحقیق تعیین شده‌اند. شناخت متغیرهای پژوهش به واسطه تحلیل ادبیات موضوع، از طریق استدلال منطقی در راستای دستیابی به راهکارهای اجرایی بهینه در حوزه پاسخ‌دهی محیطی مراکز شهری انجام شده است. با مطالعه ادبیات موضوع معیارهایی همچون دسترسی، تنوع استفاده از زمین، خوانایی، نفوذپذیری، غنا (توانگری)، تمرکز و تراکم استفاده از فضای زمین، تناسبات بصری، انعطاف‌پذیری، خصوصی‌سازی و ساختار سازمان‌دهی استخراج به وسیله خبرگان اولویت‌بندی شده‌اند. مجموعه‌ای از استراتژی‌ها به منظور تقویت و بهبود وضعیت موجود همچون ایجاد تنوع استفاده از زمین، تقویت تناسبات بصری، حفظ و تقویت هویت و حس مکان، ایجاد یک ساختار سازمان‌دهی، ایجاد و تقویت انعطاف‌پذیری و تقویت نفوذپذیری نیز مبتنی بر تکنیک تاپسیس فازی به وسیله خبرگان ارزیابی و درنهایت برای اجرا اولویت‌بندی خواهند شد. نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که از میان مؤلفه‌های مورد بررسی، اهمیت دسترسی به مجموعه با توجه به تسهیل در امکان رفت‌وآمد و حضور راحت به مجموعه در بالاترین اولویت قرار گرفته است. سپس تنوع در کاربری‌های موجود برای پاسخگویی به نیازهای متفاوت کاربران و تنوع در ایجاد فرم‌ها، به ایجاد جذابیت بیشتر مجموعه کمک شایانی خواهد کرد. مؤلفه‌های خوانایی و نفوذپذیری نیز در یافتن هرچه بهتر مجموعه و فضاهای آن بسیار حائز اهمیت است.

واژگان کلیدی: مراکز شهری، محیط پاسخ‌ده، نیازهای شهروندان، مدل تصمیم‌گیری چند معیاره فازی، گنبدکاووس.

۳

شماره بیست‌وهفتم

تابستان ۱۳۹۷

فصلنامه علمی-پژوهشی

مطالعات شهر

ارزیابی مراکز شهری مبتنی بر رویکرد پاسخ‌دهی محیطی

۱ این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نگارنده سوم با عنوان «طراحی مرکز تقریبی مذاهب اسلامی با رویکرد پاسخ‌دهی محیطی» است که با راهنمایی

نگارنده نخست و مشاوره نگارنده دوم انجام شده است.

۱ نویسنده مسئول مقاله: M.gharehbaglou@tabriziau.ac.ir

۱. مقدمه:

مراکز شهری در طول تاریخ، کانون توجهات و محل وقایع خاص شهری بوده و همواره به عنوان مهم‌ترین بخش شهر مورد توجه بوده‌است (Shakibamanesh, 2008). این مراکز با توجه به حضور مردم و تحرک موجود در آن به عنوان بخشی از قلب تپنده شهر محسوب شده و نقشی کلیدی در برقراری ارتباطات میان اعضای مختلف جامعه دارند. با وجود اهمیت این مراکز، طی دهه‌های گذشته در مناطق مختلف جهان مراکز شهری با افول کارکردی مواجه شده‌اند (Shokoyi, 2001). در ایران نیز مراکز شهری، دیگر همچون گذشته سرزنده و پویا نیستند و این افول در بسیاری از حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی و غیره به چشم می‌خورد. اهتمام به این مراکز، در جهت رفع نیازهای انسانی، امری ضروری است؛ به‌ویژه مراکز شهری با قدمت تاریخی کهن، از طریق ایجاد حس تعلق به مکان نیز می‌توانند بسیار پرمخاطب گردند. پاسخگویی توأمان به نیازهای اولیه و متعالی انسان از جمله الزامات مهم برای ارتقای کیفیت فضاهای شهری است. طراحی پاسخگو به خوبی به وسیله کاربران پذیرفته شده و ماندگار خواهد بود (Sotoudeh and Aliabadi, 2015). بنابراین صرف برنامه‌ریزی موضوعی یا موضوعی بدون توجه به ارزش‌ها، آماز و آرزوهای مردم و ذهنیت خاص آنان به این مفهوم، راهگشا نخواهد بود (Kokabi, et al., 2005). با رشد شهرنشینی، نیاز به توسعه متعادل فضاهای شهری به‌عنوان مکانی مؤثر برای حضور شهروندان، گذران اوقات فراغت و پاسخگویی مناسب به نیازهای اجتماعی انسان و تأمین فرصت‌های لازم برای کسب تجارب اجتماعی، مستلزم وجود فضای کالبدی در شهر است (Kargar and Gharahbaglou, 2015). با کاهش کارایی فضاهای معمول برای سکونت و کار با عنوان "مکان‌های نخست و دوم"، در قرن بیست و یکم از فضاهای عمومی شهری با کاربری‌های متنوع با نام "مکان سوم" یاد می‌شود که نقشی کلیدی در تداوم حیات اجتماعی شهرها و سرزندگی شهروندان دارند (Kashanijou, 2006). محیط عمومی مکانی است که حضور انسان در آن به‌وضوح قابل مشاهده بوده و به‌عنوان بستری برای تعاملات اجتماعی دارای جذابیت کافی برای انتخاب شدن است. چنین مکانی باید دارای معیارهای استاندارد برای نفوذپذیری، احساس مکان، انعطاف‌پذیری و موارد مشابه دیگر باشد. با توجه

به اهمیت درک ارتباط یادشده، مؤلفه‌های طراحی تأثیرگذار بر پاسخ‌دهی فضاهای عمومی شهری باهدف ارزیابی آنها به منظور ایجاد بستر مناسب برای پاسخگویی و برقراری تعاملات اجتماعی در این تحقیق بررسی شده‌اند.

در راستای تعریف محیط پاسخ‌ده و معیارهای فضاهای عمومی در این پژوهش، به دنبال پاسخ به این سؤال اساسی خواهیم بود که کدام مؤلفه‌ها برای ایجاد محیطی پاسخ‌ده با هدف ارزیابی بخش مرکزی شهر گنبدکاووس می‌توانند تأثیرگذار باشند و این بخش مرکزی شهر چه پتانسیل‌هایی برای ایجاد محیطی با پاسخ‌دهی مطلوب‌تر دارد و در نهایت این که چه راهکارهایی برای خلق چنین فضایی وجود دارد. تحقیق حاضر از نظر هدف، از نوع تحقیقات کاربردی بوده و به منظور پاسخ به سؤالات یادشده از روش تحقیق کیفی و از راهبرد پیمایشی استفاده شده‌است. در گام نخست، برای ورود به بحث پاسخ‌دهی محیطی، تعاریف، ویژگی‌ها و معیارهای آنها، با مطالعات نظری و کتابخانه‌ای آغاز شده‌است. سپس از راهبرد پیمایشی غیرمستقیم بر پایه نظر خبرگان با استفاده از تکنیک پرسشنامه بسته مبتنی بر ادبیات موضوع و دریافت نظرات خبرگان، پیرامون موضوع تحقیق استفاده شده‌است (جدول شماره ۱). استراتژی‌ها در گام نخست با تحلیل ادبیات نظری به شیوه استدلال منطقی تعیین شدند. در همین راستا شناخت متغیرهای پژوهش به واسطه تحلیل ادبیات موضوع و از طریق استدلال منطقی در راستای دستیابی به راهکارهای اجرایی بهینه در حوزه پاسخ‌دهی محیطی مراکز شهری انجام شده‌است. سپس در گام دوم استراتژی‌ها با استفاده از نظرات خبرگان تعیین شده‌اند. بدین معنا که اعتبارسنجی استراتژی‌ها مستخرج از مبانی نظری با توجه به الزامات خاص فضای تصمیم‌گیری در نمونه موردی تحت بررسی، به وسیله خبرگان مدنظر قرار گرفته و تأیید شده‌است. در گام بعد، یافته‌های مستخرج از بررسی پرسشنامه‌ها با استفاده از روش تجزیه و تحلیل اطلاعات مبتنی بر روش‌های تصمیم‌گیری چند معیاره فازی^۱ ارزیابی شده‌است. در گام آخر نیز راهکارهای مرتبط با هدف تحقیق (ارتقای پاسخ‌دهی محیطی) مبتنی بر ادبیات موضوع و بر مبنای نظرات خبرگان و با توجه به واقعیات و الزامات مدیریت شهری گنبدکاووس تعیین شده‌اند.

جدول شماره ۱: مشخصات دموگرافیک جامعه خبرگان

شخص	تعداد	شاخص	تعداد
سن		جایگاه شغلی	
کمتر از ۳۰	۱۳۵	دانشجو (رشته مهندسی معماری)	۱۲۵
بالتر از ۳۰	۴۵	اساتید رشته مهندسی معماری	۵
سطح تحصیلات		کارکنان و مدیران اداره شهرداری گنبدکاووس	۳۰
کارشناسی	۱۳۰	کارکنان و مدیران اداره راه و شهرسازی شهرسازی گنبدکاووس	۲۰
کارشناسی ارشد	۴۵		
دکترای تخصصی	۵		

۲. چارچوب نظری پژوهش

۲.۱. ارزیابی مراکز شهری

مرکز شهر را می‌توان ناحیه کانونی و مرکزی شهر (نه لزوماً در معنای هندسی آن) تعریف کرد که بستر وقوع، شکل‌گیری و تجمع مهم‌ترین فعالیت‌های شهری، خاطرات جمعی و تجلیگاه حضور اجتماعی تمامی مردم شهر بوده و در عین حال بخش عمده‌ای از تعاملات اداری و اقتصادی شهر را در خود جای داده است. علاوه بر این، مرکز هر شهر، هویت و شخصیت آن شهر را تشکیل می‌دهد (Kokabi, 2007). مراکز شهری نقش مهمی در کیفیت وضعیت اقتصادی شهر دارند. سرزندگی مراکز شهری منجر به توسعه اقتصادی کسب و کار و در نهایت جذب گردشگران بیشتر می‌شود. تمرکز بر سرزندگی اقتصادی به عنوان محور اصلی رشد و توسعه و در نهایت موفقیت یک شهر قلمداد می‌شود (Sadeghi Moghadam, et al., 2014). در ادبیات موضوع، چهار عامل مهم برای ایجاد یک مرکز شهری با هدف بهبود کارایی فضاهای شهری معرفی شده است که عبارتند از: (۱) دسترسی، (۲) تنوع استفاده از فضا، (۳) تمرکز، تراکم و فشردگی کاربری و (۴) ساختار سازمان‌دهی (Wong, 2009). فضاهای شهری عمومی، تأثیر و اهمیت معنی‌داری بر ارتقای سطح کیفیت زندگی شهری، همبستگی عمومی میان شهروندان، حس اجتماع‌پذیری، خودجوشی و خودانگیختگی اجتماعی و گفتمان دارند. فضای شهری در برگیرنده تعاملات شهروندان بوده و بستری برای ظهور فعالیت‌های شهری و تعاملات اجتماعی است (Rastbin, et al., 2012). توسعه پایدار، سرزندگی و رقابت‌پذیری از جمله مفاهیمی هستند که به صورت مستقیم بر برنامه‌ریزی شهری تأثیرگذارند (Lopes and Camanho, 2013). نکته مهم دیگر حق انتخاب افراد برای حضور در یک مکان عمومی است. مکان‌های مطلوب عمومی شهری به طور معمول می‌بایست پر از جمعیت و دارای محیط پویا باشند. در نتیجه نیاز است تا علائق شخصی و عمومی افراد در یک مکان جمع شوند (Carmona, 2009).

دعوت‌کنندگی به عنوان یک ویژگی مهم برای فضاهای عمومی شهری، سبب می‌شود تا افراد بتوانند به صورت مستقیم شهروندان را ببینند و از این ارتباطات تجربه کسب نمایند. جذابیت یک شهر نیز می‌تواند به تراکم حاضران و مدت زمان گذرانده شده در فضاهای عمومی وابسته باشد (Gehl, 1987). فضاهای شهری به عموم شهروندان تعلق داشته، منحصر به جنبه کالبدی و فیزیکی نبوده و با حضور انسان، معنا خواهند یافت. فضاهای شهری با قدمتی دیرینه و حضوری متنوع در تاریخ شهرسازی سبب شکل‌گیری بافت شهری حول محور خود شده‌اند و تأثیر مهمی بر روند اجتماعی‌سازی داشته‌اند (Jacobs, 2010, Kashanijou, 1993). این در حالی است که آنچه از یک شهر بیشتر در ذهن افراد باقی می‌ماند، همان فضاهای عمومی شهری است (Pakzad, 2007). بنابراین این فضاها بایستی سرزنده باشند تا بتوانند افراد بیشتری را به سوی خود جلب کنند (Kashanijou, 2010). طراحی فضاهای عمومی شهری همچون توقفگاهی روانی در منظر شهری، تنها محدود به ابعاد شکلی و زیبایی بصری

نبوده و می‌تواند با جنبه‌های اجتماعی و فعالیت‌های جاری در فضا وابسته باشد. درک فضا می‌تواند به کمک تجربه حرکت انسان درون آن انجام شود (Zucker, 1970). فضاهای عمومی، بستری برای بیان فرهنگ عمومی و توسعه زندگی اجتماعی بوده و اعتقادات شخصی و ارزش‌های عمومی کاربران را انعکاس می‌دهند (Carr, et al., 1992, Francis, 2003). بنابراین مراکز شهری با داشتن پتانسیل‌های بسیاری می‌توانند در جذب توده زیادی از مردم راهگشا باشند. با نگاهی چند جانبه به تمامی ابعاد تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی در مراکز شهری و با در نظر گرفتن نیازهای انسانی می‌توان شاهد حضور و فعالیت پررنگ مردم در چنین فضاهایی بود.

۲.۲. معیارهای ارزیابی پاسخ‌دهی محیط

پاسخ‌دهی از جمله عوامل تأثیرگذار بر مطلوبیت محیط است که می‌تواند بر سطح کیفیت زندگی و رضایت‌مندی کاربران از حضور در فضاهای عمومی تأثیر بگیرد. پاسخ‌دهی محیطی را می‌توان به معنای عرضه پاسخ‌های متنوع به واسطه محیط به مجموعه نیازهای متفاوت فیزیولوژیکی و روان‌شناختی کاربران آن دانست. یافته‌های محققان در ادبیات موضوع مطالعات محیطی نشان می‌دهد که قابلیت پاسخ‌دهی هر محیط با وجوه طراحی آن در ارتباط تنگاتنگ است (Bentley, et al., 2011). در پی این تفکر و تلاش برای ایجاد یک محیط با کیفیت خوب برای حضور و زندگی اجتماعی افراد در بستر آن، بنتلی اقدام به تعریف محیط پاسخگو بدین صورت نموده است: «مکان‌های پاسخگو می‌بایست فرصت‌ها را بهبود دهند و یک محیط دموکراتیک را از طریق ارائه انتخاب‌های مناسب برای افراد فراهم سازند». این رویکرد بر هفت جنبه مهم در ایجاد یک محیط پاسخگو تمرکز دارد که عبارتند از: نفوذپذیری، تنوع، خوانایی، استواری، تناسب بصری، غنا و خصوصی‌سازی (هویت) (Carmona, 2009).

از آنجایی که ارتباط نزدیکی مابین کیفیت فضاها و محیط‌های عمومی و مجموعه فعالیت‌های روی داده در آن وجود دارد (Whyte, 1980)، می‌توان از طریق طرح‌ریزی بر الگوهای فعالیت‌های رایج در محیط‌های بیرونی تأثیر گذاشت. این تأثیرگذاری می‌تواند برای بروز بهتر فعالیت‌ها و همچنین ایجاد محیط‌های زنده شکل گیرد (Jalili, et al., 2013). کارایی و پاسخگویی محیط و کیفیت‌های محیطی، در کنار عوامل فردی و ساختاری از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر استفاده مردم از فضای شهری و برقراری ارتباط متقابل با آن است (Sallis, et al., 2008). فضاهای شهری را می‌توان بستری مشترک برای فعالیت‌های کارکردی و مراسم مردمی مانند جشن‌ها و آداب و رسوم فرهنگی و ابراز عقاید سیاسی و اجتماعی دانست (Carr, et al., 1992) که نقش مهمی در تأمین نیاز انسان‌ها به ارتباط رودررو با یکدیگر دارند. پیاده‌سازی مقیاس انسانی و کسب رضایت شهروندان، تنها با ارتباطات چهره به چهره افراد است که به تعامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و زیستی خواهد رسید (Samimifar and Hamzenejad, 2012). پاسخگویی محیط به

نیازهای استفاده‌کنندگان در تأمین مؤلفه‌هایی همچون امنیت، جذابیت، آسایش، دسترسی و راحتی تعریف می‌شود (Sallis, et al., 2008). فضاهای عمومی هنگامی می‌توانند پاسخگو و موفقیت‌آمیز باشند که به وسیله کاربران مختلف مورد استفاده قرار گیرند، امکان بروز گونه‌های متعددی از فعالیت‌ها را فراهم سازند، به مردم این امکان را بدهند که در استفاده از محیط، احساس ایمنی و امنیت کنند، فضای راحتی را فراهم کنند، فرصت‌هایی را برای ارتباط برقرارکردن، کنترل و اصلاح برای کاربران حاصل کنند، به صورت همگانی در دسترس باشند، فرصت‌هایی را برای یادگیری محیطی فراهم کنند، فرصت‌هایی برای کشف، لذت بردن و چالش را در برداشته باشند و با مشارکت مردم اداره شوند (Jalili, et al., 2013).

در دهه پایانی ۱۹۷۰، گروهی از دانشگاه آکسفورد، رویکرد و الگوی طراحی محیط شهری پاسخگو با تأکید بر نیاز برای ایجاد یک محیط غنی‌تر و دموکراتیک‌تر باهدف حداکثر کردن گزینه‌های در دسترس کاربران را معرفی نموده‌اند. محققان بر این باورند که طراحی مکان می‌تواند بر امکان انتخاب مردم تأثیرگذار باشد. به بیانی دیگر، اشاره به محدوده حضور افراد، محدوده مصارف موجود، امکان فهم از امکانات موجود، امکان استفاده از یک مکان مشخص برای اهداف متنوع، آگاه‌سازی ظاهر جزئیات محیط از گزینه‌های در دسترس و غیردسترس و تجربه حسی از محیط تأثیرگذار بر چگونگی مهر و نشان زدن از شخصیت خود بر محیط است. بخش مرکزی شهر به‌مثابه یک میراث ارزشمند برای جامعه در بردارنده تصویر ذهنی افراد از محیط شهری است. انتقال تصویر جذاب از جامعه کمک به جذب بازدیدکنندگان از مرکز شهر می‌کند (Wong, 2009). مطالعات فراوانی در ادبیات موضوع، به فرضیه‌پردازی و استدلال در خصوص تأثیر نوع طرح محیط بر کیفیت رویدادها و فعالیت‌ها پرداخته‌اند (Uzzell, et al., 2002).

سلیمانی و مندگاری نیز به مطالعه پاسخگویی به نیازهای اساسی روان‌شناختی با شناسایی معیارهایی در خانه‌های سنتی یزد پرداخته‌اند. در این راستا، در معماری سنتی خانه‌ها، تأمین نیازهای روان‌شناختی با فراهم‌آمدن بستری برای تحقق معیارهایی همچون ۱. سازماندهی قلمرو شخصی، ۲. سازماندهی حس تعلق خاطر، ۳. سازماندهی تمرکز درون فردی و ۴. سازماندهی ارتباطات اجتماعی همراه با راهکارهایی ارائه شده است. پیامدهای بروز و ظهور این مؤلفه‌ها با ایجاد امنیت روانی، هویت بخشی، خودسازی و مشارکت مفید اجتماعی همراه خواهد بود (Suleimani and Mandgari, 2015). نقره‌کار، مظفر و تقدیر به مطالعه و پاسخگویی به نیازهای انسانی با بررسی قابلیت‌های فضای معماری پرداخته‌اند. برای رسیدن به این هدف، ابتدا با طبقه‌بندی مراتب نفس انسانی، مدلی از نیازهای چهارگانه انسانی ارائه و براساس آن، قابلیت‌های فضای معماری با پیاده‌سازی در نمونه‌های موردی تعریف شده است. سپس راهکارهایی عملی در این زمینه ارائه شده‌اند. با توجه به نیازهای انسان و اختیاری بودن سیر تکامل انسان‌ها، ایجاد بستری

مناسب برای تحقق نیازهای عقلانی و روحانی فراهم خواهد شد (Noghrehkar, et al., 2014). توجه به رفتارهای کاربران در یک فضا به عنوان یکی از نکات کلیدی برای پاسخ‌دهی به نیازهای استفاده‌کنندگان از آن فضا تلقی می‌شود. رفتارنگاری به عنوان منبعی ارزشمند برای پاسخ‌دهی فضاهای شهری در پژوهش صورت گرفته به وسیله منصورنیا مورد مطالعه قرار گرفته است. توجه به اصل همه‌شمولی فضاها، تأمین فضاهای نشیمن، گفت‌وگو و تماشای محیط و ایجاد بستر مناسب برای دید بدون مانع به اطراف در فضاهای شهری از جمله موارد حائز اهمیت بوده است. این مقاله که با هدف بررسی رفتارها و کالبد طرح برای رسیدن به پاسخگویی نیازهای کاربران پیش رفته، نارضایتی کاربران از وضعیت موجود را نشان می‌دهد. عواملی همچون کمبود فضاهای نشیمن برای دید به مناظر اطراف و گفت‌وگو و عدم وجود شرایط آسایش محیطی، از جمله موارد بیان شده برای عدم پاسخگویی مطلوب به نیازهای کاربران آن فضا است. با مشاهده رفتار کاربران در فضا نیز می‌توان به راهکارهایی عملگرا به منظور طراحی فضاها، برای ایجاد محیط‌های پاسخ‌ده دست یافت (Mansournia, et al., 2016). در پژوهش صورت گرفته به وسیله حبیبی و بهنامی فر به بررسی میزان پاسخگویی فضاهای شهری به نیازهای نوجوانان پرداخته‌اند. در این پژوهش با توجه به نیاز این گروه سنی به برقراری روابط دوستی و ایجاد تعاملات در فضاهای محله، با مطالعات نظری پیرامون موضوع، هشت عامل مؤثر در پاسخ‌دهی فضاها شناسایی شد. در این میان سه معیار «جذابیت و پویایی»، «آرامش و آسایش» و «صمیمیت و خودمانی‌بودن» اولویت بالایی را به خود اختصاص داده‌اند (Habibi and Behnamifard, 2016). کیفیت حس منتقل شده از محیط به کاربران همواره مورد توجه محققان بوده است. به‌طورکلی، در جدول شماره ۲ می‌توان مجموعه‌ای از مؤلفه‌های یک محیط پاسخ‌ده شهری را مبتنی بر یافته‌های محققان مشاهده نمود.

۳. مورد پژوهی

گنبدکاووس شهری با سابقه شهرنشینی شش هزارساله، امروزه آثار و بقایای باستانی فراوانی همچون محوطه تاریخی برج قابوس را در خود جای داده است. این سابقه به حدی است که می‌توان نشانه‌های آن را بارها در سفرنامه‌های مختلف مشاهده نمود (Foroutan and Beigi, 2011). معماری فعلی بافت مرکزی شهر، میراث و یادگار دوران گذشته آن است. در زمان حاضر، بخش مرکزی شهر، مهم‌ترین فضای عمومی گنبدکاووس بوده و بازتاب سویه‌های متعدد یک فضای عمومی مانند خرید، تفریح، جامعه‌پذیری، خودجوشی و خودانگیختگی اجتماعی است. توسعه سریع شهر با توجه به حضور اقوام مختلف فارس، ترک و ترکمن، سبب پیچیدگی فرهنگی، اجتماعی و کالبدی شده است. از این رو، طراحی فضاهای عمومی در گنبدکاووس با توجه به الزامات خاص فرهنگی و سنتی آن و همچنین توجه به پاسخ مؤثر به نیازهای روزمره شهروندان باهدف حفظ پویایی و سرزندگی،

جدول شماره ۲: شناسایی مؤلفه‌های محیط شهری پاسخ‌ده مبتنی بر یافته‌های محققان در ادبیات موضوع مطالعات محیطی

ردیف	پاسخ‌دهی محیطی	تعریف
۱	دسترسی (C1)	مراکز شهری به‌عنوان مرکز شبکه‌های حمل‌ونقل منطقه‌ای بوده و این دسترسی به امکان رشد فعالیت‌های تجاری و تولیدی منجر می‌شود (SadeghiMoghadam, et al., 2014).
۲	تنوع استفاده از زمین (C2)	مراکز شهری به‌عنوان مکان‌هایی برای فراهم نمودن امکاناتی برای ساکنان، راه‌اندازی دفاتر و مراکز دولتی، دادگاه‌ها، مدارس و مراکز فرهنگی بوده و تنوع زمین نقش مهمی بر تنوع افراد و فعالیت‌ها خواهد داشت (Rafiean, et al., 2012).
۳	تمرکز و تراکم استفاده از فضای زمین (C3)	با توجه به آن که ارزش زمین در مراکز شهری به نسبت بالاست، حداکثر نمودن سطح تصرف در این مناطق مهم است و این امر منجر به تراکم و استفاده بهتر از فضا خواهد شد (Amini, et al., 2013).
۴	ساختار سازمان‌دهی (C4)	محدوده سازمان یافته بیشتر قابل فهم بوده و امکان ساخت و توسعه در آن بسیار بالا خواهد بود.
۵	نفوذپذیری (C5)	دسترسی به یک مکان تعداد انتخاب‌های افراد را افزایش می‌دهد. میزان نفوذپذیری موجب تقویت پاسخگویی محیط می‌شود. محیط عمومی باید از نظر بصری نفوذپذیر باشد؛ نه تنها برای آنان که با محیط آشنا هستند بلکه بتواند هر فرد را جذب نماید (Bentley, et al., 2011).
۶	تنوع (C6)	تنوع از جنبه تنوع کاربری ساختمان‌ها با فرم‌های مختلف در نظر گرفته می‌شود و افراد در زمان‌های مختلف با شرایط اقتصادی متفاوت جذب می‌کند. به عبارتی دیگر، این امر می‌تواند دامنه انتخاب‌ها را افزایش دهد (Jalili, et al., 2013).
۷	خوانایی (C7)	این کیفیت می‌تواند درک از محیط را ایجاد کند. محیط ممکن است قابل مشاهده در یکی از دو سطح فیزیکی و یا فعالیت باشد. خوانایی با قوت بخشیدن به پنج جزء لینچ (گره‌ها، مرزها، واقعیت برجسته، راه‌ها و نواحی) افزایش می‌یابد (Lynch and Hack, 1984).
۸	انعطاف‌پذیری (C8)	ترکیب قدرتمند مکان‌ها که می‌توانند برای مقاصد مختلف استفاده شوند می‌تواند انتخاب‌های بیشتری را نسبت به مکان‌های طراحی شده برای یک استفاده به همراه داشته باشد. ساختمان‌ها با سه اصل عمق، دسترسی و ارتفاع در سطح استاندارد، از نظر عملکردی بسیار انعطاف‌پذیر هستند (Bentley, et al., 2011).
۹	تناسبات بصری (C9)	محیط شفاف برای افراد از نظر فرم و عملکرد، انعطاف‌پذیر بوده و تناسب بصری به خوبی در آن حفظ شده است (Aragonés, et al., 2002).
۱۰	غنا (توانگری) (C10)	غنا کیفیتی است که می‌تواند تجربیات احساسی متفاوت را ایجاد نماید و لذت را ارتقا دهد. این امر شامل تمامی احساس‌ها بوده اما به دلیل اثر دید بر درک اطلاعات، این مسئله بسیار مهم است (SadeghiMoghadam, et al., 2014).
۱۱	خصوصی‌سازی (C11)	ایجاد یک مکان که می‌تواند فضاهای بسیاری را خصوصی نماید، برای افراد مهم است. این تنها راهی است که اکثر مردم، محیط مناسب از منظر دغدغه‌های شخصی آنها، ارزش‌ها و نشانه‌ها خواهند یافت. اگر یک محیط حس مالکیت را به افراد انتقال دهد، آن فرد حس تعلق به مکان را خواهد یافت. اگر مردم از یک مکان به صورت منظم استفاده نمایند، در بلندمدت آنها احساس تعلق بدان خواهند یافت (Pasupuleti, 2013).



تصویر شماره ۱: تصویر هوایی از بافت بخش مرکزی شهر گنبد کاووس و محوطه تاریخی برج قابوسی (Googleearth, 2016)

مهم خواهد بود. برای این منظور نیاز است تا فضای عمومی شهر را عرصه‌ای مناسب برای حضور و پاسخی کالبدی-فضایی به نیازهای متنوع اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی شهروندان دانست. شهروندان با حضور در این فضاهای عمومی، همواره سرزندگی معنی‌دار و منحصر به فردی را بدان می‌بخشند. این حضور ممکن است به دلیل اهداف از پیش تعیین شده مانند خرید و شرکت در مراسم جمعی خاص و یا برای گذراندن اوقات فراغت، تماشا کردن، دیده شدن یا عبور برای رسیدن به مقصد و درعین حال حضور در جریان زندگی شهری باشد. با توجه به اهمیت مسئله یادشده، در ادامه سعی شده است تا مجموعه معیارهای تأثیرگذار بر ایجاد یک فضای شهری پاسخ‌ده در بافت بخش مرکزی شهر گنبد کاووس با استفاده از روش تحلیل سلسله‌مراتبی فازی مورد ارزیابی قرار گیرد. سپس مجموعه راهبردهای مناسب برای ارتقای کیفیت سطح شاخص‌ها نیز با استفاده از روش تاپسیس فازی اولویت بندی شود.

۳٫۱. جامعه آماری

جامعه آماری تحقیق شامل اساتید دانشگاه در رشته معماری و مدیران شهری و دانشجویان رشته معماری شهر گنبدکاووس است. دلیل انتخاب این جامعه عبارت است از زمینه تخصصی افراد از نظر آشنایی با مفاهیم معماری و شهرسازی و همچنین زمینه کاری آنان در تصمیم‌سازی و مدیریت شهری. اندازه نمونه با استفاده از فرمول کوکران^۱ با سطح خطای پنج درصد برای اندازه جامعه ۱۸۰ نفر برابر با ۱۲۲ نفر محاسبه شده و از روش نمونه‌های تصادفی ساده برای نمونه‌گیری استفاده شده است.

۳٫۲. اعتبار و روایی پژوهش

سنجش صحت اطلاعات با استفاده از نظرات خبرگان پیرامون سئوالات مشخص انجام شده است. بدین نحو که نخست با طراحی پرسشنامه بسته، نظرات خبرگان در ارتباط با ارزیابی هر یک از معیارهای اثرگذار بر پاسخ‌دهی فضاهای عمومی شهری به عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز تعاملات اجتماعی و زندگی شهری امروز شهروندان با توجه به شاخص‌های مرتبط با اندازه‌گیری آنها جمع‌آوری شده است. دلیل انتخاب پرسشنامه بسته، ماهیت سئوالات تحقیق است. اندازه‌گیری پایایی پرسشنامه برای جامعه آماری ۱۸۰ نفره از خبرگان با استفاده از روش آلفای کرونباخ^۲ انجام شده که ابتدا برای هر شاخص به

صورت جداگانه و سپس برای کل پرسشنامه محاسبه شده است (جدول شماره ۳). مقادیر ضرایب آلفای کرونباخ محاسبه شده با مقدار بزرگتر از عدد ۰/۷ حاکی از پایایی مناسب پرسشنامه است. سنجش روایی پرسشنامه با استفاده از روش روایی محتوایی بدین نحو انجام شده است که پس از بررسی ادبیات موضوع، سئوالات برای ارزیابی مدنظر تعیین و با استفاده از نظرات جامعه آماری نهایی شده است. در مصاحبه با جامعه آماری، تعداد مشخصی از سئوالات مدنظر قرار داشته است که هر یک به دنبال بررسی جنبه‌های پاسخ‌دهی با توجه به ویژگی‌های طراحی فضای عمومی شهری و راهبردهای ارتقای آن است. همچنین، به منظور ارزیابی روایی سازه‌ای پرسشنامه، از تحلیل عاملی تأییدی با استفاده از نرم‌افزار آماری لیزرل^۳ استفاده شده است (جدول شماره ۴). با استفاده از شاخص کی.ام.ا.^۴ بررسی می‌شود که آیا می‌توان داده‌های موجود را برای تحلیل استفاده نمود. همچنین با استفاده از آزمون بارتلت^۵ می‌توان از مناسب بودن داده‌ها و کفایت نمونه‌گیری اطمینان حاصل نمود. با توجه به مقدار شاخص کی.ام.ا. محاسبه شده برای هر یک از مؤلفه‌ها بیش از ۰/۷ است و مقدار معنی‌دار بودن آزمون بارتلت نیز کوچکتر از پنج درصد است و داده‌ها از کیفیت مناسبی برای تحلیل برخوردارند (جدول شماره ۴).

جدول شماره ۳: مقادیر آلفای کرونباخ برای ارزیابی پایایی پرسشنامه

ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه تحقیق: ۰/۹۵۴			
متغیر	ضریب آلفای کرونباخ	متغیر	ضریب آلفای کرونباخ
دسترسی	۰/۹۵	خوانایی	۰/۷۴۷
تنوع استفاده از زمین	۰/۸۴۶	انعطاف‌پذیری	۰/۸۰۱
تمرکز و تراکم استفاده از فضای زمین	۰/۸۲۰	تناسبات بصری	۰/۹۰۸
ساختار سازمان‌دهی	۰/۸۳۱	غنا (توانگری)	۰/۷۲۹
نفوذپذیری	۰/۷۹۲	خصوصی‌سازی	۰/۸۳۱
تنوع	۰/۸۹۱		

جدول شماره ۴: آزمون کایزر، میر، اوکلین و بارتلت

مؤلفه	اندازه‌گیری کفایت تعداد نمونه کایزر میر	کای دو	عدد معناداری
دسترسی	۰/۸۴۲۸۴	۷۱۸/۹۵	۰/۰۰۰
تنوع استفاده از زمین	۰/۸۴۳۶۰	۴۷۴/۲۸	۰/۰۰۰
تمرکز و تراکم استفاده از فضای زمین	۰/۸۶۱۰۰	۸۲۲/۱۰	۰/۰۰۰
ساختار سازمان‌دهی	۰/۸۱۷۳۲	۵۴۲/۱۰	۰/۰۰۰
نفوذپذیری	۰/۷۵۷۹۰	۲۶۵/۳۵	۰/۰۰۰
تنوع	۰/۸۵۸۴۵	۴۰۶/۹۳	۰/۰۰۰
خوانایی	۰/۷۹۸۵۶۴	۳۹۴/۴۶	۰/۰۰۰
انعطاف‌پذیری	۰/۷۵۷۸۸۲	۱۳۱/۵۳	۰/۰۰۰
تناسبات بصری	۰/۸۴۵۷۸۵	۶۰۶/۲۵	۰/۰۰۰
غنا (توانگری)	۰/۸۶۱۹۶	۶۴۹/۱۰	۰/۰۰۰
خصوصی‌سازی	۰/۸۴۲۰۵	۶۸۰/۷۵	۰/۰۰۰

3 Lisrel Statistical Software

4 KMO: Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy

5 Bartlett S Test of Sphericity

1 Cochran's formula

2 Cronbach's alpha

۳,۳. تجزیه و تحلیل اطلاعات

در این پژوهش یافته‌های پرسشنامه‌ها با استفاده از روش تجزیه و تحلیل اطلاعات مبتنی بر روش‌های تصمیم‌گیری چند معیاره با امکان در نظر گرفتن ترجیحات زبانی مبتنی بر رویکرد فازی تحلیل می‌شوند. تحلیل مسئله تحقیق با استفاده از یک مدل مفهومی مبتنی بر مجموعه‌ای از روابط برداشت شده از ادبیات موضوع پیرامون ارتباط برخی از عوامل و تأثیر آنها بر پاسخگویی فضای عمومی شهری انجام می‌شود. نظرات خبرگان پیرامون رتبه‌بندی عوامل تأثیرگذار و کیفیت اثرگذاری آنها بر پاسخ‌دهی فضای عمومی شهری و راهبردهای ارتقای وضعیت موجود آن با استفاده از روش‌های تحلیلی مناسب بررسی خواهند شد.

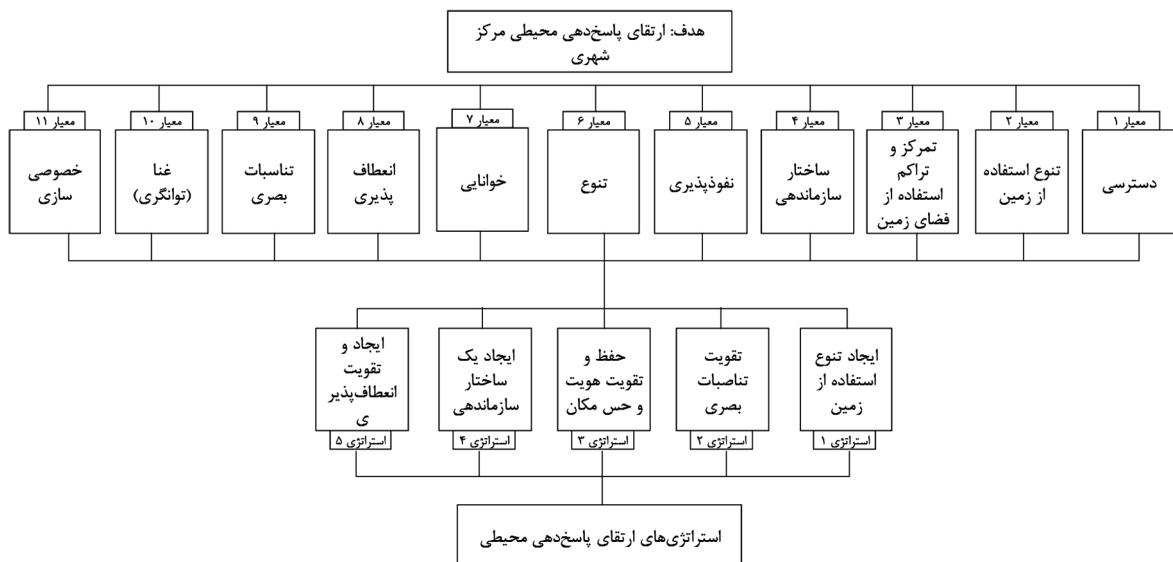
۴. مدل مفهومی تحقیق

به منظور لحاظ نمودن نظرات کیفی خبرگان برای ارزیابی گزینه‌های تصمیم‌گیری، از رویکرد فازی استفاده شده است. در روش‌های به کار گرفته شده، امکان در نظر گرفتن و تجمیع نظرات چندین خبره در فرایند ارزیابی لحاظ شده است. استفاده از یک روش تصمیم‌گیری ترکیبی با هدف بهره‌گیری از نقاط قوت دو روش تحلیل سلسله‌مراتبی و تاپسیس به صورت توأمان انجام شده است. هدف، نمایش ارتباطات (نه تأثیرات) و سپس بررسی اهمیت و اولویت هاست. بدین معنا که هدف ارزیابی وجود و یا عدم وجود ارتباطات نیست. اهمیت پایین یک ارتباط می‌تواند نشان‌دهنده

سطح پایین نقش آفرینی ارتباط باشد. در این راستا سلسله‌مراتب تصمیم‌گیری، در قالب تصویر شماره ۲ نمایش داده شده است.

۴,۱. اولویت‌بندی معیارها با استفاده از روش تحلیل سلسله‌مراتبی فازی

استفاده از اعداد فازی، از سازگاری مناسبی برای بیان توضیحات زبانی و گاهی مبهم انسانی برخوردار است و از این رو بهره‌گیری از آن در فرایند ارزیابی مثمرتر خواهد بود. در این روش پیشنهادی، از اعداد فازی مثلثی با توجه به تطابق بیشتر با مشخصات پرسشنامه و تدقیق نتایج استفاده شده است. هر یک از خبرگان، مقایسه زوجی خویش را با کاربرد طیف کاملی از عبارات زبانی انجام می‌دهند (جدول شماره ۵ و ۶). معادل فازی هر یک از ترجیحات زبانی مبتنی بر اعداد فازی مثلثی نمایش داده می‌شود. با انتخاب طیف فازی مورد نظر، داده‌های گردآوری شده در ماتریس مقایسات زوجی وارد می‌شوند. با توجه به حضور بیش از یک خبره در فرایند ارزیابی، از میانگین هندسی برای تجمیع نظرات خبرگان استفاده می‌شود (جدول شماره ۷). در ادامه، جمع فازی مجموع ترجیحات عناصر محاسبه و سپس نرمال‌سازی می‌شود (رابطه شماره ۱). با توجه به اوزان محاسبه شده، اوزان نهایی عناصر تعیین و سپس اوزان قطعی با روش فازی‌زدایی محاسبه و در نهایت با استفاده از روش نرمال‌سازی خطی، نرمال می‌شود (رابطه شماره ۲).



تصویر شماره ۲: سلسله‌مراتب تصمیم‌گیری مسئله ارتقای پاسخ‌دهی محیطی مرکز شهری

جدول شماره ۵: تبدیل ترجیحات زبانی نشان‌دهنده اهمیت بیان شده به اعداد فازی مثلثی (Habibi, et al., 2014)

عبارت کلامی وضعیت مقایسه	معادل فازی	عبارت کلامی وضعیت مقایسه	معادل فازی
ترجیح یکسان	(۱,۱,۱)	بینابین	(۵,۶,۷)
بینابین	(۱,۲,۳)	خیلی زیاد مرجح	(۶,۷,۸)
کمی مرجح	(۲,۳,۴)	بینابین	(۷,۸,۹)
بینابین	(۵,۴,۳)	کاملاً مرجح	(۹,۹,۹)
خیلی مرجح	(۶,۵,۴)		

۴٫۲. اولویت‌بندی استراتژی‌ها با استفاده از روش تاپسیس فازی

با استفاده از روش تاپسیس می‌توان مجموعه‌ای از گزینه‌ها را با توجه به معیارهای مدنظر ارزیابی نمود. در روش تاپسیس، گزینه نزدیک به جواب ایده‌آل مثبت فازی و دور از جواب ایده‌آل فازی منفی به‌عنوان تصمیم بهینه معرفی می‌شود. جواب ایده‌آل فازی مثبت (منفی) بیانگر جوابی است که شامل بهترین (بدترین) مقادیر برای گزینه‌های تحت ارزیابی است. مجموعه گام‌های ارزیابی گزینه‌ها با استفاده از روش تاپسیس فازی در ذیل ارائه شده‌است:

۱. تجمیع اوزان ارزیابی شده هر یک از معیارها برای ایجاد اوزان فازی تجمیع شده برای هر یک از معیارها و سپس تعیین مقادیر ارزیابی تجمیع شده برای هر یک از گزینه‌های تصمیم‌گیری با توجه به معیارهای مدنظر ارزیابی شده به وسیله خبرگان براساس ترجیحات زبانی بیان شده. گفتنی است که ارزیابی هر گزینه براساس معیارهای ارزیابی مدنظر با توجه به اطلاعات جدول شماره ۵ انجام می‌شود. (جدول شماره ۶)

۲. ایجاد ماتریس تصمیم‌گیری فازی معمول و نرمال سازی شده.

۳. ایجاد ماتریس تصمیم‌گیری فازی نرمال وزن دهی شده.

۴. تعیین نقاط فازی ایده‌آل مثبت و منفی و محاسبه فاصله هر گزینه از این نقاط.

۵. محاسبه ضریب نزدیکی هر گزینه و رتبه‌بندی گزینه‌های تصمیم‌گیری.

۵. یافته‌های تحقیق

در این بخش، یافته‌های تحقیق مبتنی بر بررسی نمونه موردی از دو جنبه ارزیابی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر پاسخ‌دهی فضاهای عمومی شهری و سپس رتبه‌بندی استراتژی‌های بهبود وضعیت پاسخ‌دهی محیط با توجه به ارزیابی وضعیت انجام شده، ارائه شده‌است. در ابتدا، با توجه به نظرات کیفی دریافت شده از خبرگان برای

ارزیابی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر پاسخ‌دهی فضاهای عمومی شهری با توجه به نمونه موردی به صورت ترجیحات زبانی، اولویت‌بندی نهایی مجموعه مؤلفه‌های یادشده با استفاده از روش تحلیل سلسله‌مراتبی فازی در جدول شماره ۷ ارائه شده‌است. ضریب سازگاری محاسبه‌شده نیز دارای مقدار ۰/۰۹۱ است که با توجه به کمتر بودن آن از مقدار حدی ۰/۱، مقایسات زوجی انجام شده و وزن‌های محاسبه شده قابل قبول است.

با توجه به نتایج جدول شماره ۷ می‌توان ملاحظه نمود که مؤلفه دسترسی بالاترین وزن (۰/۱۷۰۵) و اولویت را به خود اختصاص داده‌است. چراکه گام نخست در ورود به مجموعه، مستلزم تسهیل در دسترسی و در پی آن ورود آسان به مجموعه است تا حضور و رفت‌وآمد در فضا با وسایل نقلیه شخصی و عمومی برای تمامی اقشار میسر شود. ورودی شاخص مجموعه و عرض مناسب مسیرهای تعریف شده اصلی و فرعی، از جمله نکات مثبت لحاظ شده برای دسترسی بهتر به بخش‌های درونی است. به علاوه روشنایی مورد نیاز برای طی مسیرهای عبوری، از ایجاد فضاهای مخوف و خلوت در درون فضاها جلوگیری کرده و به حفظ امنیت بیشتر مجموعه کمک می‌کند. فضاها با چنین قابلیت‌هایی که امکان نظارت همگانی را فراهم می‌آورند، به ساماندهی و کنترل کمتری نیازمند هستند. همچنین امکان استفاده از وسایل حمل‌ونقل عمومی به راحتی برای کاربران میسر است، اما با توجه به این که این مجموعه در بازه‌های زمانی همچون ایام نوروز، فصل تابستان و غیره، پذیرای کاربران زیادی است و از طرفی این مجموعه در بخش مرکزی شهر و در خیابان‌های پرتردد شهر واقع شده، فضایی به عنوان پارکینگ به صورت اختصاصی برای مجموعه تعریف نشده‌است. بنابراین شاهد ایجاد ترافیک سنگین در پاره‌ای از زمان‌ها هستیم. همچنین در این پارک نیاز است، مسیرهایی برای تردد افراد سالمند، نابینا و کم‌توان دیده‌شود و مسیرهایی به صورت ویژه برای این افراد طراحی و ساماندهی گردد. این در حالی است که دو مؤلفه تنوع استفاده از زمین و تنوع

جدول شماره ۶: ارزیابی فازی گزینه‌ها در طی فرایند ارزیابی با توجه به ترجیحات زبانی بیان شده (Habibi, et al., 2014)

اعداد فازی	ارزیابی گزینه با توجه به معیار مدنظر	اعداد فازی	ارزیابی گزینه با توجه به معیار مدنظر
(۱،۰،۳)	بسیار ضعیف	(۵،۷،۹)	خوب
(۱،۳،۵)	ضعیف	(۷،۹،۹)	بسیار خوب
(۳،۵،۷)	متوسط		

جدول شماره ۷: نتایج ارزیابی استراتژی‌های ارتقای پاسخ‌دهی فضاهای عمومی شهری در نمونه موردی

استراتژی‌ها										
دسترسی (C1)	تنوع استفاده از زمین (C2)	توانایی (C1)	نقدپذیری (C5)	غنا (توانگری) (C1)	فضای زمین (C3)	تمرکز و تراکم استفاده از (C3)	تناسبات بصری (C1)	انعطاف‌پذیری (C1)	خصوصی سازی (C1)	ساختار سازمان دهی (C4)
۰/۱۷۰۵	۰/۱۱۵۹	۰/۱۱۱۰	۰/۱۰۲۵	۰/۰۹۸۵	۰/۰۹۷۴	۰/۰۹۶۰	۰/۰۹۲۲	۰/۰۹۱۱	۰/۰۸۸۴	۰/۰۷۵۶
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱

با وزن‌های بسیار نزدیک به یکدیگر با اوزان (۰/۱۱۵۹) و (۰/۱۱۱۰) جایگاه دوم و سوم را به خود اختصاص داده‌اند. زیرا عموماً افراد در پی فضاهایی هستند که بتوانند نیازهای مختلف خویش را به صورت همزمان پاسخ دهند و نیاز به طی مسیرهای مختلف نداشته باشند. در این صورت است که هم در زمان و هم هزینه صرفه‌جویی خواهد شد. از طرفی تعبیه کاربری‌های متنوع از جمله مسکونی، تاریخی، تجاری، فرهنگی و غیره در مجاورت هم به پویایی هر چه بیشتر فضاها کمک می‌کند و این امر سبب‌ساز حضور اقدار مختلف جامعه در سنین و طبقات مختلف اجتماعی است. مؤلفه‌های خوانایی و نفوذپذیری نیز با اوزان (۰/۱۰۲۵) و (۰/۰۹۸۵) در جایگاه‌های چهارم و پنجم قرار گرفته‌اند. این دو معیار برای کاربرانی که برای نخستین بار قصد حضور در چنین فضاهایی را دارند، در یافتن بنا بسیار کمک کننده خواهند بود. در این مجموعه با طراحی مسیرها به صورت مشخص و با تبعیت از هندسه تعریف شده و منظم از ایجاد سردرگمی در یافتن مسیرهای داخلی مجموعه اجتناب شده و به خوانش هر چه بیشتر فضایی منجر شده است.

دو معیار غنا و تمرکز تراکم استفاده از زمین نیز با وزن‌های تقریباً برابر، (۰/۰۹۷۴) و (۰/۰۹۶۰) جایگاه‌های ششم و هفتم را احتساب نموده‌اند. مؤلفه هویت و حس مکان نیز با توجه به برقراری ارتباط بصری و ذهنی عمیق با مجموعه می‌تواند زمان حضور کاربران در مجموعه را تقویت کند. ایجاد هماهنگی بین برج تاریخی با فضاهای اطراف آن به شکل‌گیری خاطره جمعی کاربران آن کمک خواهد کرد. اما متأسفانه در حال حاضر، شاهد برقراری ارتباط کم‌رنگ بین بنا و فضاهای اطراف این برج با کاربران آن هستیم. همچنین کمبود فضا در بسیاری از مراکز شهری ایجاب می‌کند که بیشترین بهره از زمین برده شود و حداکثر تراکم در مجموعه فراهم‌گردد تا کاربری‌های گوناگون در کنار یکدیگر گردآمده و پاسخگوی نیازهای مختلف باشند. مؤلفه تناسب بصری با وزن (۰/۰۹۲۲) در جایگاه هشتم قرار دارد. این معیار در ایجاد فضایی همگام و همراه با محیط پیرامون و ایجاد یکپارچگی در کل مجموعه می‌تواند تأثیر بسزایی داشته باشد. ثبت جهانی این برج تاریخی سبب شده، ارتفاع بناهای مجاور آن مستلزم رعایت قوانین و مقررات تعیین شده گردد و این امر منجر به برقراری تناسب بصری از منظر بعد ارتفاعی شده است. اما از نظر فرم کالبدی با توجه به تنوع کاربری‌های پیرامون، هماهنگی لازم با این بنای تاریخی برقرار نشده است. دو مؤلفه انعطاف‌پذیری و خصوصی‌سازی با وزن‌های تقریباً برابر (۰/۰۹۱۱) و (۰/۰۸۸۴) جایگاه‌های نهم و دهم را به خود اختصاص داده‌اند. مفهوم انعطاف‌پذیری در طراحی باید متناسب با نیازهای کاربران و با قابلیت ایجاد تغییر در چیدمان در نظر گرفته شود. برای مثال طراحی مبلمانی ثابت در این مجموعه تاریخی، قابلیت ایجاد تغییر در چیدمان را نمی‌دهد. خصوصی‌سازی نیز به دنبال مؤلفه هویت مکان، به تقویت حس تعلق کاربران می‌پردازد. چراکه مشارکت افراد در ساخت مجموعه و بیان سلیق و نظرات خود، به افزایش حضور کاربران منجر خواهد شد. در نهایت، مؤلفه ساختار سازمان‌دهی در جایگاه یازدهم به عنوان جایگاه آخر با وزنی

برابر (۰/۰۷۵۶) قرار گرفته است. قابلیت گسترش و توسعه مجموعه در برنامه‌های زمانی آینده نیز می‌تواند تسهیلات بیشتری را برای کاربران عرضه نماید. استفاده از فضاهایی با پتانسیل تبدیل شدن به کاربری‌های مورد نیاز با در نظر گرفتن نیازهای آتی می‌تواند به گونه فعال‌تر به اهداف اصلی خود نائل شود.

با توجه به ارزیابی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر پاسخ‌دهی فضاهای عمومی شهری در نمونه موردی تحت بررسی، مجموعه‌ای از استراتژی‌های مناسب برای ارتقای وضعیت موجود ارزیابی شدند. برای این منظور، نخست با توجه به نظرات دریافت شده از خبرگان، مجموعه استراتژی‌ها و سیاست‌های ارتقای پاسخ‌دهی محیط شهری با استفاده از تکنیک تصمیم‌گیری چند معیاره تاپسیس فازی اولویت‌بندی شده‌اند (جدول شماره ۸). نتایج جدول شماره ۸ حاکی از آن است که استراتژی ایجاد تنوع استفاده از زمین، بالاترین اولویت را در میان دیگر گزینه‌های تحت بررسی برای ارتقای وضعیت فعلی پاسخ‌دهی محیط شهری در نمونه موردی، به خود اختصاص داده است. این در حالی است که دیگر گزینه‌های تقویت تناسبات بصری، حفظ و تقویت هویت و حس مکان، ایجاد یک ساختار سازمان‌دهی، ایجاد و تقویت انعطاف‌پذیری و تقویت نفوذپذیری به ترتیب اولویت‌های دوم تا ششم را به خود اختصاص داده‌اند.

در پژوهش انجام‌یافته به وسیله جلیلی و همکاران با عنوان «فضای باز مجموعه‌های مسکونی و پاسخ‌دهی محیطی»، تأکید بر روی سه مؤلفه اصلی انعطاف‌پذیری، خوانایی و جلوه بصری طرح بوده است. نتایج تحقیق حاکی از عدم وجود انعطاف‌پذیری، حضور کم‌رنگ مؤلفه خوانایی و تنوع در ارتباط با جلوه بصری طرح‌هاست. یافته‌های تحقیق یادشده علی‌رغم وجود تفاوت در معرفی و رتبه‌بندی مؤلفه‌ها، با یافته‌های نگارندگان این پژوهش سازگاری مطلوبی دارد. دلایل اصلی رسیدن به چنین نتایجی که با مطالعه ادبیات موضوع، پیرامون پاسخ‌دهی محیطی حاصل شده است، توجه به الزامات خاص نمونه موردی متفاوت و نیازهای کاربران به صورت ویژه در چنین فضاهایی است. برای مثال در کاربری‌هایی همچون فضاهای باز مجتمع‌های مسکونی با توجه به وجود مشابهت بین بلوک‌های مجاور هم، نیاز بیشتر به مؤلفه‌ای چون خوانایی نسبت به سایر مؤلفه‌ها می‌باشد. این در حالی است که در کاربری دیگری همچون مراکز شهری به مؤلفه‌ای چون تنوع استفاده از زمین برای جذب مخاطب بیشتر به منظور پاسخ‌دهی بهتر به نیازهای کاربران نیاز است (Jalili, et al., 2013). همچنین یافته‌های نگارندگان مطابق با یافته‌های سلیمانی و مندگاری از منظر بعد روان‌شناسی است، اما در سایر ابعاد مربوط به نیازهای انسانی این مؤلفه‌ها نادیده گرفته شده‌اند و هماهنگی دیده نمی‌شود. همسانی در معرفی معیارهایی چون قلمرو شخصی و حس تعلق را با مؤلفه‌های بیان شده به وسیله نگارندگان همچون خصوصی‌سازی و غنا (توانگری) شاهد هستیم. اما بین سایر مؤلفه‌های معرفی شده به وسیله نگارندگان با یافته‌های سلیمانی و مندگاری، مؤلفه همسانی به چشم نمی‌خورد (Suleimani and Mandgari, 2015). کیفیت‌های محیطی در پاسخ‌دهی خیابان

آزادی در پژوهش انجام شده به وسیله حبیبی و بهنامی فر معرفی شده است. نتایج به دست آمده به طور کلی یافته‌های نویسندگان پژوهش را تأیید می‌کند. مؤلفه‌هایی چون جذابیت و پویایی، آرامش و آسایش، صمیمیت و خودمانی بودن، حضورپذیری و انعطاف، دسترسی، پیاده‌محوری، امنیت و قابلیت بازی و ورزش مستخرج از پژوهش حبیبی و بهنامی فر هماهنگی مطلوبی با معیارهای معرفی شده به وسیله نویسندگان دارند. هر چند که سایر معیارهای معرفی شده سازگاری مناسبی با معیارهای مطرح در پاسخ‌دهی محیطی مراکز شهری را دارا هستند، اما اولویت بندی معیارها در این پژوهش با در نظر گرفتن گروه سنی خاص نوجوانان و با تأکید بر ابعاد روانی این گروه، انجام یافته‌است (Habibi and Behnamifard, 2016). یافته‌های حاصل از پژوهش صورت گرفته به وسیله نگارندگان این پژوهش با یافته‌های منصورنیا و همکاران

که با در نظر گرفتن رفتار کاربران در فضای مورد مطالعه (درباچه زربار) صورت گرفته‌است، همسازی مناسبی دارد. مؤلفه‌های معرفی شده به وسیله منصورنیا و همکاران همچون تنوع استفاده از زمین، با توجه به تنوع کاربران در محیط و غیره، همسان با مؤلفه ارائه شده به وسیله نگارندگان این پژوهش بوده‌است. اما با توجه به بستر طبیعی زربار و تأکید بیشتر بر جنبه تفریحی بودن این محیط، اغلب کاربران به نشستن و گفت‌وگو و دید به اطراف تمایل داشتند. این در حالی است که در پژوهش نگارندگان سعی شده‌است، اغلب نیازهای انسانی در نظر گرفته شود (Mansournia, et al., 2016). همچنین می‌توان گفت پاسخ‌دهی فضا با توجه به نمونه موردی‌های متفاوت همچون فضاهای طبیعی در مقایسه با فضاهای تاریخی، نیازهای متفاوتی را در کاربران ایجاد کرده که مؤلفه‌های مستخرج تأییدی بر این ادعاست.

جدول شماره ۸: نتایج ارزیابی و اولویت بندی نهایی استراتژی‌های ارتقای پاسخ‌دهی محیط شهری در نمونه موردی

	استراتژی‌ها					
	ایجاد تنوع استفاده از زمین	تقویت تناسبات بصری	حفظ و تقویت هویت و حس مکان	ایجاد یک ساختار سازمان‌دهی	ایجاد و تقویت انعطاف‌پذیری	تقویت نفوذپذیری خوب
وزن نهایی	۰/۲۴۲۱	۰/۲۰۷۸	۰/۱۹۱۹	۰/۱۸۳۰	۰/۰۹۱۰	۰/۰۸۳۹
رتبه بندی	۱	۲	۳	۴	۵	۶

۵.۱. ارائه راهکار

در بخش پیشین، اولویت بندی نهایی استراتژی‌های ارتقای پاسخ‌دهی محیطی مبتنی بر نظرات خبرگان ارائه شده‌است. استراتژی‌های تحقیق طی دو گام اصلی استخراج شده‌اند؛ گام نخست: تحلیل ادبیات نظری به شیوه استدلال منطقی و گام دوم: تعیین و تأیید استراتژی‌ها با استفاده از نظرات خبرگان. در نتیجه از ادبیات نظری تحقیق و همین‌گونه موردپژوهی خاص تحقیق، موضوع مدنظر یعنی ارتقای پاسخ‌دهی محیطی با استفاده از نظرات خبرگان، اعتبارسنجی و سپس اولویت بندی شده‌است. در نهایت نیز راهکارها مبتنی بر ادبیات موضوع و نظر خبرگان با در نظر گرفتن الزامات مدیریت شهری در نمونه موردی ارائه شده‌است. حال، نکته حائز اهمیت عبارت است از فراهم نمودن امکان استقرار و پیاده‌سازی استراتژی‌های یادشده با در نظر گرفتن الزامات خاص نمونه موردی تحت بررسی. برای این منظور نیاز است تا مجموعه‌ای از سیاست‌ها و اقدام‌های اجرایی و عملی مناسب برای هر استراتژی در راستای ارتقای پاسخ‌دهی فضاهای عمومی محیط شهری با توجه به ویژگی‌های خاص نمونه مورد بررسی ارائه شود. بر این اساس می‌توان مجموعه‌ای از استراتژی‌ها و راهکارهای پیشنهادی برای ارتقای بعد پاسخ‌دهی نمونه مورد بررسی، مبتنی بر نظرات خبرگان را به صورت خلاصه در جدول شماره ۹ مشاهده نمود.

۶. نتیجه‌گیری

نیاز به طراحی فضاهای عمومی شهری با تأکید بر ایجاد محیط‌های زنده و پویا به‌عنوان بستری مناسب برای تعاملات اجتماعی و

پاسخ‌دهی به نیازهای شهروندان تبدیل به یکی از دغدغه‌های برنامه‌ریزان شهری و محققان در دنیای امروز شده‌است. از این رو شناسایی معیارهای تأثیرگذار بر ارتقای مفهوم پاسخ‌دهی در فضای عمومی و بخش مرکزی شهر و به‌ویژه بافت تاریخی شهرها و ارائه راهکارهای مناسب برای بهبود وضعیت آنها مفید خواهد بود. در بافت مرکزی بسیاری از شهرهای ایران از جمله شهر گنبدکاووس، شاهد یک نوع سردرگمی در توسعه و کاربری بافت‌های تاریخی مرکزی و وضعیت نامناسب پاسخ‌دهی مراکز شهری با توجه به نقش مهم آنها به‌عنوان گنجینه‌ای گران‌بها از تاریخ و فرهنگ جامعه هستیم. این در حالی است که این مراکز شهری می‌توانند در جهت رسیدن به اهداف یادشده راهگشا باشند. در راستای پاسخگویی به سئوالات پژوهش با نتایج مستخرج از الگوی عملیاتی پژوهش و در پاسخ به سؤال نخست پژوهش با بررسی ادبیات موضوع، مجموعه مؤلفه‌های ایجاد محیطی پاسخ‌دهی باهدف ارزیابی فضاهای عمومی شهرها شناسایی شده‌است (جدول شماره ۲). در ادامه، با دریافت و تحلیل نظرات کیفی خبرگان، اهمیت مؤلفه‌های ایجاد کننده پاسخ‌دهی در بافت بخش مرکزی شهر گنبدکاووس با استفاده از روش تحلیل سلسله‌مراتبی فازی تعیین شده‌اند (جدول شماره ۷). سپس در راستای پاسخ به سؤال دوم پژوهش، ابتدا مجموعه‌ای از استراتژی‌های ارتقای پاسخ‌دهی مبتنی بر ادبیات موضوع و نمونه موردی تحت بررسی شناسایی شده و سپس با استفاده از تکنیک تصمیم‌گیری چند معیاره فازی تاپسیس، رتبه بندی استراتژی‌ها با توجه به نظرات کیفی و ترجیحات زبانی خبرگان ارزیابی شده‌اند (جدول شماره ۸). در نهایت مجموعه‌ای از استراتژی‌ها و راهکارهای مناسب در

جدول شماره ۹: استراتژی‌ها و راهکارهای ارتقای پاسخ‌دهی محیط شهری در نمونه موردی

هدف	استراتژی	بحث	راهکار
ایجاد فضای عمومی شهری پاسخگو در مرکز شهر گنبدکاووس	(A4) ایجاد تنوع استفاده از زمین	تمایل بیشتر کاربران به پاسخگویی همزمان به نیازهای مختلف و عدم نیاز به طی مسیرهای طولانی در یک مجموعه به منظور صرفه جویی در زمان و هزینه، حاکی از ضرورت این راهبرد است. تنوع کاربری‌ها تسهیل‌کننده این امر است.	<ul style="list-style-type: none"> تعبیه کاربری‌های متنوع همچون مذهبی، فرهنگی، اداری، تجاری و غیره در مجاورت هم و پرهیز از منطقه بندی فعالیت‌ها برای جذب مخاطب بیشتر. ایجاد فضاهایی همچون گردهمایی خانوادگی، نمایش محصولات، هنرهای دستی، نمایش‌های محلی و تئاتر با در نظر گرفتن فرهنگ بومی منطقه. همسازی فعالیت و عملکرد در سازمان فضایی کالبدی.
	(A2) تقویت تناسبات بصری	تناسبات بصری در مقیاس‌های متفاوت در کالبد بنا باید نمایان شود. در این منطقه ساختمان‌هایی که در پیرامون بنا شده‌اند، از نظر بصری هماهنگی کمتری با بافت دارند و شباهت کمتری بین ساختمان‌ها و برخورداری از هویت مشترک با یکدیگر به چشم می‌خورد.	<ul style="list-style-type: none"> هماهنگ‌سازی فضاهای ساخته شده با زمینه تاریخی منطقه، در عین تشخیص واحد هریک. حفظ خط آسمان و اجتناب از احداث سازه‌های مختل‌کننده دید بر بستر تاریخی. امکان دیدگسترده و فراخ به بخش‌های مجموعه. فقدان عوامل ایجادکننده انقطاع فعالیت و بصری.
	(A3) حفظ و تقویت هویت و حس مکان	در برقراری ارتباط با بنا، ایجاد مشارکت همگانی برآمده از علائق، سلیقه‌ها و نمادهای شخصی افراد، هدفی بسیار ارزشمند است. ساختمان‌های پیرامون بافت تاریخی امروزه در جهت کم‌رنگ شدن حس مکان در حال پیش‌روی هستند و تنها توجه به بعد ارتفاعی در کنار بافت اهمیت دارد.	<ul style="list-style-type: none"> حفظ و ارتقای فضاهای شاخص و خاطره‌انگیز. هماهنگی محیط پیرامونی با ویژگی‌های تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و هویتی منطقه برای القای حس مشترک. امکان دخل و تصرف و شخصی‌سازی در برخی فضاهای مجموعه. به کارگیری الگوهای بومی همچون استفاده نمادین از چادرهای مخصوص ترکمنان در این منطقه، با توجه به حضور گسترده آنها.
	(A5) ایجاد یک ساختار سازمان‌دهی	در این سایت تاریخی برخی فضاهای خالی در ضلع شرقی، بدون استفاده رها شده و بخش انتهایی سایت به پارکینگ تبدیل شده است. با توجه به همجواری این فضای خالی با بخش بازی کودکان، می‌توان کاربری‌های متناسبی را در آن فضا گنجاند.	<ul style="list-style-type: none"> هماهنگی در تناسب و توالی استقرار توده و فضا به طور همزمان. توجه به کارکردهای مورد نیاز در عین طراحی بهینه و استفاده حداکثری از فضاها. تقویت دسترسی شبکه حمل و نقل با توجه به ساختار راه‌ها.
	(A6) ایجاد و تقویت انعطاف‌پذیری	انعطاف‌پذیری در یک سایت برای دادن حق انتخاب‌های بیشتر به کاربران با هدف ایجاد فرصت انجام فعالیت‌های مختلف و چیدمان متفاوت در یک مجموعه، شرایط و الزامات خاص خود را می‌طلبد.	<ul style="list-style-type: none"> انحصاری نکردن فضاها برای انجام فعالیت‌های خاص. ایجاد فضاهای چندعملکردی و تلفیق کارکردها در یک فضا. قابلیت تطبیق با نیازهای گروه‌های سنی مختلف. بهره‌گیری از تکنولوژی‌های نوین و اجزای پیش ساخته.
	(A1) تقویت نفوذپذیری	دسترسی به سایت تاریخی از طریق ورودی‌های مختلف در سه طرف مجموعه با مسیرهای شفاف؛ نمایشگر اتفاقات درونی مجموعه و مسیرهای متفاوت و دادن حق انتخاب بیشتر برای کاربران امکان‌پذیر است.	<ul style="list-style-type: none"> افزایش تعداد مسیرهای دسترسی و ورودی‌ها. تداوم فضایی در عین توجه به سلسله مراتب. قابلیت عرضه اتفاقات جذاب‌تر در لبه‌های سایت. فعال کردن مرزها و استفاده مؤثر از تحرک و سرزندگی.

خواهد کرد. مؤلفه‌های خوانایی و نفوذپذیری نیز در یافتن هرچه بهتر مجموعه و فضاهای آن بسیار حائز اهمیت است. به همین ترتیب در ادامه معیارهای بعدی در اولویت‌های پایین‌تری قرار خواهند گرفت.

در این مقاله تلاش نویسندگان بر آن بوده است تا مبتنی بر اتخاذ روش تحقیق مناسب، اقدام به ارائه نظری کاربردی در قالب استراتژی و راهکار برای ارتقای وضعیت فعلی مرکز شهری گنبدکاووس نمایند. نظری که بتواند پاسخ «چگونگی‌ها» را بدهد و چگونگی فرایند مداخله در واقعیت را تشریح کند. به طور مشخص نوآوری‌های تحقیق حاضر در مقایسه با دیگر مطالعات انجام شده در ادبیات موضوع عبارتند از: ۱. شناسایی و بررسی معیارهای پاسخ‌دهی یک مرکز شهری، ۲. استفاده از ابزار تصمیم‌گیری چندمعیاره برای ارزیابی معیارهای پاسخ‌دهی مرکز

راستای بهبود وضعیت پاسخ‌دهی نمونه موردی تحت بررسی با توجه به ارزیابی‌های انجام شده، ارائه شده‌اند (جدول شماره ۹). نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که از میان مجموعه مؤلفه‌های پاسخ‌دهی ارزیابی شده، سه مؤلفه دسترسی، تنوع و خوانایی بالاترین اولویت را در بررسی نمونه موردی به خود اختصاص داده‌اند. از سوی دیگر، با توجه به وضعیت فعلی فضای شهری در نمونه موردی تحت بررسی، استراتژی‌های مدنظر خبرگان برای بهبود وضعیت موجود بدین نحو ارزیابی شده‌اند که اهمیت دسترسی به مجموعه با توجه به تسهیل در امکان رفت‌وآمد و حضور راحت به مجموعه در بالاترین اولویت قرار گرفته است. سپس تنوع در کاربری‌های موجود برای پاسخگویی به نیازهای متفاوت کاربران و همچنین تنوع در ایجاد فرم‌ها، به ایجاد جذابیت بیشتر مجموعه در جذب مخاطب کمک شایانی

- Science and Technology press,
- Carmona, E., (2009). public places urban spaces. Tehran University of Art, Tehran
 - Carr, S., Francis, M., Rivlin, L.G. and Stone, A.M., (1992). Public Space. Cambridge University Press, Cambridge.,
 - Foroutan, A. and Beigi, Sh., (2011). Gonbad-Kavoos: History, Land, Culture, Conduct. ,
 - Francis, M., (2003). Urban open space: Designing for user needs. Island Press, Washington D.C.,
 - Gehl, J., (1987). Life Between Building: Using Public Space. . New York: Van Nostrand Reinhold.,
 - Googleearth, (2016). Google earth V 7.1.5.1557. Gonbad Kavus, Iran. 37° 15' 28.69"N, 55° 10' 08.47"E, Eye alt 1377 feet. Digital Globe 2016. <http://www.earth.google.com>, 2016, April 16.
 - Habibi, A., Izadiyar, S. and Sarafrazi, A., (2014). Fuzzy Multidisciplinary Decision Making. Katibeh Gil Publications,
 - Habibi, M. and Behnamifard, F., (2016). Investigating the Responsibility of Urban Spaces to the Needs of the Adolescent Group (Case Study: Azadi Avenue, Karaj).journal of Nameh Memari va Shahrsazi, Tehran Art University, NO. 17, 139-54. [in Persian].
 - Jacobs, J., (1993). Tod und Lebengrober Amerikanischer Stadte. Verlage uhlstein GmbH, Frankfurt.,
 - Jalili, M., Einifar, A. and Talischi, G., (2013). Outdoor residential complexes and environmental response: A comparative study of three residential complexes in Hamedan.Journal of Honarhaye Ziba, NO. 4, 57-68. [in Persian].
 - Kargar, T. and Gharahbaglou, M., (2015). The secret of the survival of the Jolfa Isfahan podium as a third place. Proceedings of Architectural and Sustainable Development, International Conference of Civil Engineering, Architecture and Urban Infrastructure, 1-14. [in Persian].
 - Kashanijou, K., (2006). The Importance of pedestrian Spaces in Third Millennium Cities. Journal of Jostarhaye Shahrsazi, NO. 17 & 18, 40-51. [in Persian].
 - Kashanijou, K., (2010). Recognizing Theoretical Approaches to Urban Public Spaces.journal of Hoviyat e Shahr, NO. 6, 95-106. [in Persian].

شهری و رتبه‌بندی گزینه‌های تصمیم‌گیری (استراتژی‌های ارتقای پاسخ‌دهی) و ۳. بررسی نمونه موردی مرکز شهری گنبدکاووس و ارائه پیشنهادها مبتنی بر نتایج تحقیق با در نظر گرفتن الزامات خاص فضای تصمیم‌گیری مدیریت شهری در نمونه موردی تحت بررسی. نتایج یافته‌های نظری محققان این حوزه، علی‌رغم وجود تفاوت در رتبه‌بندی مؤلفه‌ها، با یافته‌های نگارندگان پژوهش حاضر، سازگاری مطلوبی دارد. دلایل اصلی تفاوت در رتبه‌بندی‌ها که با مطالعه ادبیات موضوع، پیرامون موضوع پاسخ‌دهی محیطی حاصل شده، توجه به الزامات خاص نمونه موردی متفاوت و نیازهای کاربران به صورت ویژه در چنین فضاهایی است. در پژوهش‌های کیفی، محقق به دنبال توصیف شرایط موجود از یک بافت مشخص است، بنابراین به هیچ وجه هدف وی مانند پژوهش‌های کمی، تعمیم‌دادن نتایج و یافته‌های خود نیست. هرچند که توصیف شرایط موجود یک بافت مشخص مانند مرکز شهر گنبدکاووس را می‌توان به‌عنوان یک «فرضیه»، قابل تأمل و بررسی در بافت‌هایی که شباهت ساختاری با بافت مورد مطالعه را دارند مثلاً مراکز شهری در مجاورت بافت تاریخی تلقی نمود. در این صورت نتایج پژوهش، در جامعه مخاطب می‌تواند گفتمانی شود، بدون آن که ادعای تعمیم‌پذیر بودن نتایج به دست آمده مطرح باشد. رویکرد به کار گرفته شده در این پژوهش و یافته‌های حاصل از آن در یک مرکز شهری همچون نمونه موردی بیان شده (بخش مرکز شهری گنبدکاووس) قابلیت تعمیم به سایر نمونه‌های موردی را داراست و می‌تواند برای ارزیابی میزان پاسخ‌دهی سایر مراکز شهری مورد استفاده قرارگیرد. در پایان نیز پیشنهاد می‌شود با گسترش جامعه آماری در مطالعات آتی، از نظرات عامه مردم برای تکمیل بحث پاسخ‌دهی و ارتقای اعتبار علمی یافته‌ها بهره‌گیری شود و در بخش مربوط به ارزیابی راهکارها، مورد استفاده قرارگیرد. همچنین این مؤلفه‌های پاسخ‌دهی می‌توانند تجلی‌های متفاوتی در کاربری‌های مختلف داشته باشند که پرداخت و واکاوی این راهکارها خود تحقیقی جدید می‌طلبد و چگونگی تجلی آنها برای یک نمونه موردی می‌تواند به‌عنوان موضوعی برای تحقیقات آتی نیز پیشنهاد شود.

References:

- Amini, E., Boroumand, M. and Rouhafza, F., (2013). Evaluation of factors affecting the increase in the quality of public spaces in new cities, case study: new town of Parand. Quarterly of Amayesh e Mohit, NO. 26, 89-110. [in Persian].
- Aragonés, J., Francescato, G. and Garling, T., (2002). Residential Environments: Choice, Satisfaction and Behavior. Bergin & Garvey, London.
- Bentley, I., Alcock, A., Murrain, P., McGlynn, S. and Smith, G., (2011). Responsive Environments a Manual For Designers. Iran University of

by Using AHP Model (Case Study: Qazvin City Historical Context in Iran). *Sociology and Anthropology*, 41-45.

- Sallis, J., Owen, N. and Fisher, E., (2008). Ecological Models of Health Behavior. *Health Behavior and Health Education: Theory, research, and practice*, NO. 4, 465-85.
- Samimifar, F. and Hamzenejad, M., (2012). Validation of the New Principles of Social Stability by Relying on Islamic Ethics (in Residential Areas). *Journal of Pazhouheshhaye Memari e Eslami*, NO. 1, 121-37. [in Persian].
- Shokoyi, H., (2001). *New Views in Urban Geography*. Samt Publications, Tehran.
- Sotoudeh, S. and Aliabadi, M., (2015). Sustainable Architecture Responsible for Human Needs. *International Conference on Civil Engineering, Architecture and Urban Infrastructure, Proceedings of Architectural Engineering and Sustainable Development*, 1-7. [in Persian].
- Suleimani, M. and Mandgari, K., (2015). Recognition of the principles of Yazd traditional houses in response to basic psychological needs; Based on the theory derived from the field. *The Journal of Honarhaye Ziba*, NO. 20, [in Persian].
- Uzzell, D., Pol, E. and Badenes, D., (2002). Place identification, social cohesion and environmental sustainability. *Environment and Behavior*, NO. 34, 1, 26-53.
- Whyte, W., (1980). *The Social Life of Small Urban Spaces*. The Conservation, Washington D.C.
- Wong, I., (2009). *Creating a vibrant downtown*. The Monieson Center Journal., NO. 5, 1-8.
- Zucker, P., (1970). *Town and Square; From the agora to the village Green*. The MIT Press, Massachusetts.
- Kokabi, A., (2007). Criteria for assessing the quality of urban life in urban centers. *Journal of Hoviyat e Shahr*, NO. 1, 75-86. [in Persian].
- Kokabi, A., Pourjafar, M. and Shabani, A., (2005). Planning the quality of urban life in Urban Centers, Definitions and Indicators. *Journal of Jostarhaye Shahrsazi*, NO. 12, 6-12. [in Persian].
- Lopes, M. and Camanho, A., (2013). Public Green Space Use and Consequences on Urban Vitality: An Assessment of European Cities. *Springer Science Business Media journal*, NO. 113, 3, 1-17.
- Lynch, K. and Hack, G., (1984). *Site Planning*. MIT Press, Cambridge.
- Mansournia, S., Qaraee, F. and Bahrami, B., (2016). Behavior settings of the approach to assessing the response rate of urban spaces. *Quarterly Journal of Motaleat e Shahri*, NO. 18, 77-90. [in Persian].
- Noghrehkar, A., Mozaffar, F. and Taghdir, S., (2014). Investigating the capabilities of architectural space to create a platform for responding to human needs from the perspective of Islam (Case study: Zinatolmolouk Shiraz and Boroujerdihya Houses of Kashan). *Quarterly Journal of Motaleat Shahr*, NO. 15, [in Persian].
- Pakzad, J., (2007). *Garlic Thought in Urbanism (2): From quantity to quality*. Omran e Shahrhaye Jadid Company, Tehran.
- Pasupuleti, R., (2013). Designing culturally responsive built environments in post disaster contexts: Tsunami affected fishing settlements in Tamilnadu, India. *International Journal of Disaster Risk Reduction*, NO. 6, 28-39.
- Rafiean, M., Taghvai, A., Khademi, M. and Alipour, R., (2012). A Comparative Study of Quality Measurement Approaches in Designing Urban Public Spaces. *Journal of Anjoman e Elmi Memari va Shahrsazi e Iran*, NO. 4, 35-43. [in Persian].
- Rastbin, S., Jafary, Y., Daram, Y. and Moazezi, A., (2012). Environmental between Relationship Realm Public in Life Urban of Continuation and Qualities. *Baq e Nazar Journal*, NO. 21, 35- 46. [in Persian].
- SadeghiMoghadam, M., Mousavi, N., Solgi, G. and Azimi, S., (2014). *Recreating a Vibrant City Center in Response Urban Environments*

